

پایداری و جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی

دکتر حسین فخاری* هادی قربانی** محمدعلی رجب بیگی***
دانشگاه مازندران (بابلسر) دانشگاه تهران

چکیده

پیشینه تحقیقات مرتبط با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. دلایل این نتایج متفاوت می‌تواند با تحلیل تفصیلی و جزئی حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مشخص شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تحلیل تفصیلی و جزئی حق الزحمه غیرعادی حسابرسی است. در همین راستا تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی در ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بررسی شد. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیون چندمتغیره و روش حداقل مربعات معمولی در مجموعه داده‌های ترکیبی استفاده شده است. بر اساس شواهد حاصل، بین جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین میانگین بلندمدت (پایداری) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دوره بعد نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: حق الزحمه غیر عادی حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی، جهش در حق الزحمه حسابرسی.

* دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری، گروه حسابداری، (نویسنده مسئول) h.fakhari@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری حسابداری

*** دانشجوی دکتری حسابداری

۱. مقدمه

جایگاه ارزشمند اطلاعات در بازارهای سرمایه موجب شده است تا پژوهشگران و صاحب نظران علوم مالی و اقتصادی در انجام پژوهش‌های خود، به این کالای باارزش توجه ویژه‌ای کنند. گزارش‌های مالی به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه، نقش مهمی در فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی ایفا کرده و بخش اعظمی از نیازهای اطلاعاتی بازار سرمایه را مرتفع می‌سازد. هدف اصلی گزارشگری مالی، بیان آثار اقتصادی رویدادها و عملیات مالی بر وضعیت و عملکرد واحد تجاری به منظور کمک به تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان در ارتباط با واحد تجاری است؛ اما نامتقارنی اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی بین مدیران و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی موجب کاهش قابلیت اتکای این گزارش‌ها شده است؛ از این رو حسابرسی گزارش‌های مالی که فردی مستقل انجام داده باشد، می‌تواند کیفیت اطلاعات مالی گزارش‌شده^۱ مدیریت را افزایش دهد (جانسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ سجادی و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، حسابرسان نیز برای رسیدگی و اعتباربخشی به گزارش‌های مالی و پوشش هزینه‌های خود، حق الزحمه دریافت می‌کند. در واقع حق الزحمه حسابرسی، منعکس‌کننده تلاش‌ها و هزینه‌های اقتصادی حسابرسان است و بر اساس عواملی نظیر ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات صاحبکار، کیفیت گزارش حسابرسی، تخصص، اندازه مؤسسه، بودجه زمانی و شهرت حسابرس تعیین می‌شود. اگرچه عوامل ذکرشده در تعیین حق الزحمه مورد انتظار حسابرسی نقش اساسی دارند، ممکن است به دلیل عواملی غیر از عوامل ذکرشده، حق الزحمه واقعی حسابرسان متفاوت از حق الزحمه مورد انتظار باشد. بر همین اساس به هر گونه انحراف حق الزحمه واقعی نسبت به حق الزحمه مورد انتظار، حق الزحمه غیرعادی گفته می‌شود که می‌تواند از عوامل مختلفی مانند تلاش‌های اضافی حسابرسان برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی یا از روابط خاص برای پنهان‌کاری نشأت گیرد (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶^۲).

دیفوند و ژانگ^۳ (۲۰۱۴) معتقدند در عمل، تفسیر انحراف حق الزحمه حسابرسی مشکل‌ساز است؛ چراکه حق الزحمه بیشتر از حق الزحمه عادی می‌تواند بیانگر تلاش‌های اضافی آتی حسابرس باشد که منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. از طرف دیگر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی می‌تواند بیانگر صرف ریسک بیشتر یا واکنش حسابرسان در برابر ریسک‌ها باشد که با کیفیت اندک گزارشگری مالی مرتبط است. کینی و لیبی^۴ (۲۰۰۲) بیان کردند حق الزحمه غیرعادی می‌تواند حاکی از سطح تبانی بین مشتری و حسابرس (رشوه) باشد که در نتیجه با کیفیت اندک

خروجی‌های حسابداری ارتباط پیدا می‌کند.

با توجه به تئوری‌های مذکور، نتایج پژوهش‌های مرتبط با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نیز به شکل‌های مختلفی در ادبیات حسابداری وجود دارد که این نتایج بیانگر پیچیدگی و نامشخص بودن تفسیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی است. با توجه به چنین ادبیاتی و اینکه تاکنون حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به طور تفصیلی در پژوهش‌های ایرانی بررسی نشده‌اند، پژوهش حاضر در صدد است تا به تحلیل تفصیلی و جزئی دلایل حق الزحمه غیرعادی بپردازد تا از این طریق بتواند خلاء پژوهش‌های این حوزه را تا حدودی پوشش دهد؛ لذا در راستای نکات ذکرشده، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی و تحلیل این ارتباط است. برای دستیابی به هدف پژوهش، حق الزحمه غیرعادی حسابرسی به دو عنصر جهش در حق الزحمه حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی بلندمدت تفکیک شده است و ارتباط آن با کیفیت گزارشگری مالی بررسی شده است؛ در ادامه، پس از ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده، فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش مطرح شده است؛ در نهایت به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

اصولاً حق الزحمه حسابرسی به ریسک مرتبط با ویژگی‌های صاحبکار از قبیل، اندازه و پیچیدگی صاحبکار و سطح کنترل‌های داخلی (سیمونیک،^۵ ۱۹۸۰؛ فرانسیس،^۶ ۱۹۸۴؛ پالمروس،^۷ ۱۹۸۶) و همچنین ریسک تجاری (بنتلی و همکاران،^۸ ۲۰۱۳) مرتبط است. زمانی که ریسک تحریفات با اهمیت زیاد باشد، استانداردهای حسابرسی، حسابرسان مستقل را به تلاش بیشتر و انجام آزمون‌های اضافی برای کسب شواهد معتبر و اتکاپذیر بیشتری ملزم می‌کنند (هنینگر،^۹ ۲۰۰۱؛ پترسن و اسمیت،^{۱۰} ۲۰۰۳؛ کارامانیس و کلایو،^{۱۱} ۲۰۰۸؛ ژائو،^{۱۲} ۲۰۱۰)؛ همچنین با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان علاوه بر تلاش بیشتر، صرف ریسکی را نیز برای پوشش زیان بالقوه مربوط به ریسک دادخواهی مطالبه می‌کند؛ لذا تلاش بیشتر حسابرسان و صرف ریسک مربوط به دادخواهی سبب می‌شود تا حسابرسان حق الزحمه بیشتری مطالبه کنند (هنینگر، ۲۰۰۱؛ بل و همکاران،^{۱۳} ۲۰۰۱؛ لیون و ماهر،^{۱۴} ۲۰۰۵). بر همین اساس حق الزحمه حسابرسی مالی را می‌توان به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی در نظر گرفت که می‌تواند منجر به کیفیت گزارشگری مالی شود.

ادبیات مالی بیانگر پژوهش‌های زیادی (چن و همکاران،^{۱۵} ۲۰۱۱؛ اترژ و همکاران،^{۱۶} ۲۰۱۱؛

آستانا و بون، ۲۰۱۲^{۱۷}؛ بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۲^{۱۸}) است که رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کرده‌اند؛ اما این پژوهش‌ها به ندرت بر تشریح جنبه‌های مختلف حق الزحمه غیرعادی حسابرسی که می‌تواند به درجات متفاوتی از کیفیت گزارشگری مالی بینجامد، پرداخته‌اند. دیفوند و ژانگ (۲۰۱۴) معتقدند حق الزحمه بیشتر از حق الزحمه عادی، می‌تواند نشان‌دهنده تلاش‌های اضافی آتی حسابرسان باشد که منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر خواهد شد؛ از سوی دیگر برخی از پژوهشگران (دیفوند و ژانگ، ۲۰۱۴؛ کینی و لیبی، ۲۰۰۲) استدلال کردند حق الزحمه غیرعادی می‌تواند منعکس‌کننده صرف ریسک افزون‌تر حسابرسان یا افزایش سطوح تبانی بین مشتری و حسابرس باشد که در این صورت کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد.

چنین پیشینه‌ای نشان می‌دهد تفسیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و رابطه آن با کیفیت گزارشگری مالی موضوع پیچیده‌ای است. منبع این پیچیدگی احتمالاً این است که مدل حق الزحمه حسابرسی شامل عواملی، مانند تلاش حسابرس، ریسک و تبانی، است که در تعیین حق الزحمه حسابرسی موثرند؛ اما برای پژوهشگران مشاهده‌پذیر نیستند. همین سبب می‌شود تا اندازه‌گیری صحیح حق الزحمه مشکل شود (دوگار و همکاران، ۲۰۱۵^{۱۹}). به همین دلیل پژوهشگران برای تفسیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با این سؤال مواجه هستند: آیا حق الزحمه حسابرسی تحت تاثیر رویدادهای جاری اثر گذار بر حسابرسی است یا صرفاً با رویدادهایی که در گذشته رخ داده‌اند، مرتبط است؟ در واقع سؤال اصلی پژوهش این است: آیا حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد؟ آیا این اثر مربوط به حق الزحمه حسابرسی دوره جاری است یا دوره‌های قبل نیز اثر گذار هستند؟

برای پاسخگویی به سوال‌های فوق، لازم است مدل باقیمانده حق الزحمه حسابرسی به عناصر جاری و بلندمدت تجزیه شود و ارتباط هر عنصر با کیفیت گزارشگری مالی بررسی شود. کولتون و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند عنصر جاری، ممکن است بیانگر تلاش واکنشی^{۲۰} اعمال‌شده حسابرسان، در پاسخ به صرف ریسک و مشکلات حسابداری دوره جاری باشد؛ در این صورت انتظار می‌رود با کیفیت اندک گزارشگری مالی در ارتباط باشد. از طرف دیگر ممکن است عنصر جاری مرتبط با تلاش پیشگیرانه^{۲۱} حسابرسان باشد که انتظار می‌رود با کیفیت مطلوب گزارشگری مالی ارتباط پیدا کند (تأثیر اصلاحی)^{۲۲}.

در این پژوهش برای محاسبه بخش جاری حق الزحمه غیرعادی از تفاوت بین حق الزحمه

غیرعادی سال جاری و میانگین حق الزحمه غیرعادی بلندمدت استفاده شده است. این نحوه محاسبه، تغییرات سالانه حق الزحمه را بهتر اندازه گیری می کند؛ همچنین بیشتر به رویدادهای دوره جاری مرتبط است. از طرف دیگر هنگامی که حق الزحمه غیرعادی دوره جاری با حق الزحمه غیرعادی بلندمدت مقابله می شود، خودهمبستگی سریالی بسیار کمتری نسبت به حق الزحمه دوره قبل نشان می دهد. در ارتباط با عنصر بلندمدت مطابق با فرضیه تأیید^{۲۳} استدلال می شود اگر اجزای بلندمدت بیانگر سرمایه گذاری اضافی در فرآیند حسابرسی باشد، به افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر می شوند.^{۲۴} از طرف دیگر اگر باقیمانده مدل حق الزحمه، ویژگی های (ریسک های) مشاهده ناپذیر صاحبکار را نشان دهد، می تواند باعث کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود؛ بنابراین استفاده از عنصر بلندمدت می تواند به تمایز بین سرمایه گذاری آتی در حسابرسی (مرتبط با کیفیت مطلوب گزارشگری مالی) و سطوح ریسک مشاهده ناپذیر تاثیرگذار بر صاحبکار (مرتبط با کیفیت اندک گزارشگری مالی) کمک کند؛ همچنین اگر حق الزحمه (تلاش) غیرعادی حسابرسی در پاسخ به کیفیت اندک گزارشگری مالی باشد (یعنی حسابرسی واکنشی باشد)، انتظار می رود جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی داشته باشد. از طرف دیگر اگر حق الزحمه (تلاش) غیرعادی حسابرسی به معنای سرمایه گذاری اضافی در کیفیت گزارشگری مالی باشد (یعنی حسابرسی پیشگیرانه باشد)، انتظار می رود رابطه بین جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی مثبت باشد. به عبارتی دیگر هنگامی که کیفیت گزارشگری مالی در دوره ای اندک باشد، به دلیل صرف ریسک بیشتر، انتظار می رود حق الزحمه غیرعادی حسابرسی افزایش یابد. در واقع واکنش حسابرسی در خواست حق الزحمه غیرعادی بیشتر در پاسخ به کیفیت اندک گزارشگری مالی است و هنگامی که با وجود کیفیت گزارشگری مالی مطلوب در آن دوره، باز هم حق الزحمه غیرعادی حسابرسی افزایش می یابد، نشانه تلاش حسابرسی برای پیشگیری از کیفیت اندک گزارشگری مالی است (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶).

در تشریح چگونگی ارتباط حق الزحمه غیرعادی با کیفیت اطلاعات گزارشگری مالی می توان از نظریه «فشار حق الزحمه حسابرسی» و فرضیه «تأیید» استفاده کرد. مطابق با نظریه فشار حق الزحمه حسابرسی انتظار می رود محدودیت و فشار حق الزحمه حسابرسی منجر به کاهش کیفیت حسابرسی شود (کوک و کلی،^{۲۵} ۱۹۸۸). فرانسیس (۲۰۰۴) معتقد است حق الزحمه حسابرسی زیاد، منجر به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت از طریق استفاده از حسابرسان با تجربه یا افزایش تلاش و زمان حسابرسی می شود (محمدرضائی و یعقوب نژاد، ۱۳۹۶).

یافته‌های هستن^{۲۶} (۱۹۹۹) و برستیکر و رایت^{۲۷} (۲۰۰۱) نشان می‌دهد حق الزحمه اندک حسابرسی، به کاهش بودجه حسابرسی و اجرا نشدن بعضی از آزمون های حسابرسی منجر می‌شود، در حالیکه چنین رویه هایی می‌تواند ریسک حسابرسی را افزایش دهد؛ همچنین نتایج پژوهشگران نشان می‌دهد فشار حق الزحمه حسابرسی منجر به اجرا نشدن بعضی از آزمون های حسابرسی (کوک و کلی، ۱۹۸۸) و قبول مستندات حسابرسی مشکوک ارائه شده و قبول ریسک حسابرسی زیاد می‌شود و تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی دارد (محمدرضائی و یعقوب نژاد، ۱۳۹۶)؛ لذا انتظار می‌رود مطابق با نظریه فشار حق الزحمه حسابرسی، بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مستقیم وجود داشته باشد.

در تشریح ارتباط بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی مطابق با فرضیه تأیید، پرداخت حق الزحمه اضافی برای حسابرسی نوعی سرمایه‌گذاری برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی و افزایش آگاهی‌بخشی محتوای اطلاعاتی صورت های مالی است. در واقع هزینه اضافی برای حسابرسی اطلاعات، نوعی انگیزه مدیران برای تأیید عملکردشان قلمداد می‌شود. در همین رابطه بال و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۲) نشان دادند که تمایل شرکت‌ها به افشای داوطلبانه یا سرمایه‌گذاری در فرایند گزارشگری مالی بیشتر بر مبنای فرضیه تأیید توجیه می‌شود تا اینکه این علاقه به منظور فرصت‌طلبی مدیران باشد.

بر اساس نظریه فشار حق الزحمه حسابرسی و فرضیه تأیید و به پیروی از پژوهش کولتون و همکاران (۲۰۱۶) فرضیه پژوهش حاضر به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه ۱: جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛

فرضیه ۲: حق الزحمه غیرعادی بلندمدت اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. مرور پیشینه ذکر شده نشان می‌دهد توجیه افزایش غیرعادی در هزینه های حق الزحمه حسابرسی مبتنی بر نظریه فشار حق الزحمه حسابرسی و فرضیه تأیید است؛ لذا بازنگری پژوهش‌های پیشین می‌تواند برای تدوین طرح پژوهش مناسب، مفید باشد؛ بنابراین در ادامه پیشینه پژوهش‌ها مرور می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

۳.۱. پژوهش‌های خارجی

مروری بر پیشینه پژوهش نشان می‌دهد پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، اغلب به بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداخته‌اند (چویی و همکاران،^{۲۹} ۲۰۱۰؛ کروس و همکاران،^{۳۰} ۲۰۱۵) و پژوهش‌های اندکی در زمینه تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی انجام شده است. با این وجود، همانند اختلاف‌های موجود در دیدگاه‌هایی که پیش‌تر بیان شد، شواهد ارائه‌شده پژوهش‌های تجربی در مورد حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نیز متناقض است.

چویی و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند حق الزحمه‌های غیرعادی منفی با کیفیت حسابرسی رابطه معناداری ندارد، در حالی که حق الزحمه‌های غیرعادی مثبت با کیفیت حسابرسی رابطه منفی دارد؛ بدین معنا که حق الزحمه‌های غیرعادی مثبت باعث از دست رفتن استقلال حسابرسان و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. آنان در بررسی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری دریافتند هنگامی که حق الزحمه غیرعادی مثبت است، حق الزحمه حسابرسی بیشتر، با قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری به طور مثبت ارتباط دارد؛ یعنی حق الزحمه حسابرسی بیشتر، با کیفیت کمتر گزارشگری ارتباط دارد. زمانی که حق الزحمه غیرعادی اندک است، آنان شواهد آماری معناداری مشاهده نکردند.

یافته‌های زی و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۰) حاکی است که در شرکت‌هایی که بازده دارایی‌های (ROA) اندکی دارند و از حسابرسان محلی استفاده می‌کنند، حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، اظهارنظر حسابرسی را بهبود می‌بخشد؛ اما بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و اظهارنظر حسابرسی در سایر شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. چن و همکاران (۲۰۱۱) و اترژ و همکاران (۲۰۱۱) بیان کردند در پی کاهش حق الزحمه‌های حسابرسی در زمان بحران مالی جهانی، کیفیت گزارشگری مالی نیز کاهش یافته است.

آستانا و بون (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که هم‌زمان با کاهش چشمگیر حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی نیز کاهش پیدا می‌کند. یافته‌های بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی وجود دارد؛ بنابراین حق الزحمه حسابرسی بیشتر، احتمالاً منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. بال و همکاران (۲۰۱۲) با بررسی ارتباط بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و افشای

اختیاری دریافتند حق الزحمه بیشتر، منعکس کننده سرمایه‌گذاری بیشتر در اعتبار صورت‌های مالی است که به کیفیت حسابرسی بیشتری و به دنبال آن کیفیت گزارشگری مطلوب‌تری منجر می‌شود. لوبو و ژائو^{۳۲} (۲۰۱۳) استدلال کردند حق الزحمه غیرعادی منعکس کننده تلاش بیشتر حسابرس است. یافته‌های آنان نشان داد حق الزحمه حسابرسی بیشتر، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد؛ همچنین کروس و همکاران (۲۰۱۵) با بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی دریافتند بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی وجود دارد؛ بدین معنا که استقلال حسابرس به دلیل باندبازی اقتصادی بین مشتری و حسابرس به خطر می‌افتد. یافته‌های کولتن و همکاران (۲۰۱۶) حاکی است که جهش در حق الزحمه غیرعادی، تلاش پیشگیرانه حسابرسان را نشان نمی‌دهد، به طوری که که جهش حق الزحمه غیرعادی با کیفیت اندک گزارشگری مالی دوره جاری رابطه دارد. بر اساس این نتایج به نظر می‌رسد «جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی» منعکس کننده مقابله با صرف ریسک یا تلاش حسابرس در پاسخ به کشف مشکلات حسابداری است؛ یعنی تلاش واکنشی حسابرس.

سودارینو^{۳۳} (۲۰۱۷) دریافت بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی، تا قبل از پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشور اندونزی، رابطه معناداری وجود نداشته است؛ اما این رابطه بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری مثبت بوده است. دابور و بنجامین^{۳۴} (۲۰۱۸) با بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی بیان کردند بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد؛ بنابراین پرداخت حق الزحمه‌های غیرعادی به حسابرسان موجب تغییر در کیفیت خدمات ارائه شده آنان نخواهد شد.

۳.۲. پژوهش‌های داخلی

علی‌رغم وجود پژوهش‌های گسترده در زمینه حق الزحمه در سایر کشورها، در پیشینه پژوهش‌های مالی و حسابداری ایران تاکنون پژوهشی در مورد موضوع ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی انجام نشده است؛ لذا در ادامه پژوهش‌های ایرانی‌ای ارائه می‌شود که به بخش‌هایی از موضوع پژوهش مربوط می‌شود.

اسماعیل زاده مقری و ترامشلو (۱۳۹۱) تأثیر رقابت بر سر حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت

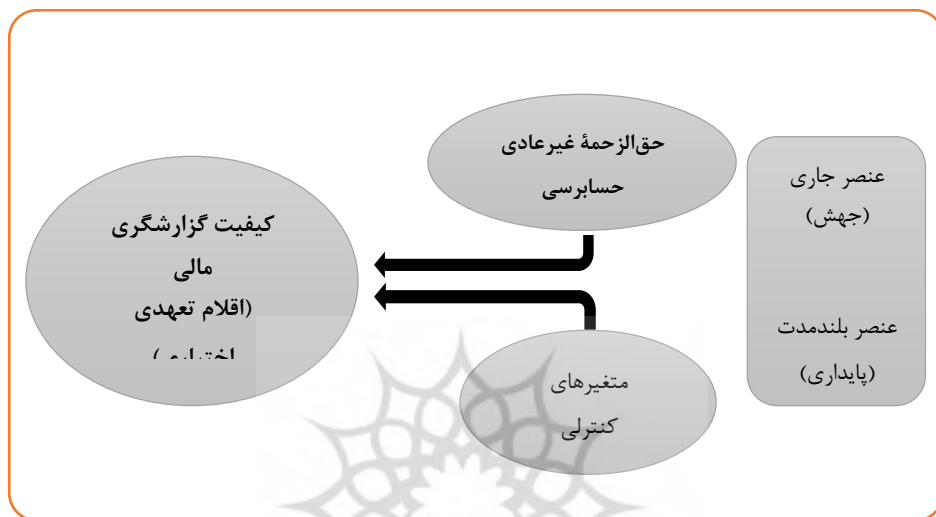
حسابرسی و گزارشگری مالی را بررسی کردند. نتایج پژوهش از منظر مدیران مؤسسات (حسابداران رسمی فعال در مؤسسات حسابرسی) نشان داد رقابت حق الزحمه حسابرسی تأثیر کاهنده‌ای بر کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دارد. منصوری سرنجیانه و تنانی (۱۳۹۲) به بررسی عکس‌العمل بازار سهام به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان حاکی است که بازار سهام به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به طور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد. به عبارتی از نظر سرمایه‌گذاران، حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی موجب ارتباط بیشتر اطلاعات شرکت با قیمت سهام می‌شود که به افزایش کیفیت حسابرسی منجر می‌شود.

واعظ و احمدی (۱۳۹۳) تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تعداد بند اظهارنظر حسابرسی، بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را بررسی کردند. نتایج پژوهش بیانگر این است که تجربه حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه منفی و معنادار دارد؛ همچنین بین پیچیدگی حسابرسی شرکت و تعداد بند اظهارنظر حسابرسی، با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پایدار منش و همکاران (۱۳۹۵) اتکای سرمایه‌گذاران بر کیفیت حسابرسی مستقل و تأثیرپذیری کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات صورت‌های مالی را بررسی کردند. آنان کیفیت حسابرسی مستقل را به وسیله متغیرهای تخصص صنعت حسابرسی، دوره تصدی حسابرسی، کیفیت مؤسسه حسابرسی، قدمت و تجربه مؤسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی سنجیدند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بین کیفیت حسابرسی مستقل و کیفیت افشای اطلاعات صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود ندارد.

زارعی و قاسمی (۱۳۹۵) اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کردند. یافته‌های آنان حاکی است که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، مانند استقلال، تخصص اعضا، سابقه مدیریت اعضا و تعداد اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای وجود ندارد. سرخانی مقدم و پاکدل (۱۳۹۷) با بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی در ۱۳۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دریافته‌اند درصد زیادی از تجدید ارائه‌ها در ایران، به دلیل اصلاح اشتباهات حسابداری بوده است که نشان دهنده ارتباط نداشتن معنادار بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

به سبب وجود شواهد متناقض در زمینه تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و انجام نشدن پژوهشی در مورد موضوع فوق، پژوهش حاضر درصدد است به

بررسی رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی بپردازد. با توجه به پیشینه موجود، انتظار می‌رود حق الزحمه غیرعادی اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. مدل مفهومی پژوهش به صورت ذیل است:



نمودار (۱): مدل مفهومی

۴. روش پژوهش

به منظور پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌های آن، تدوین طرح پژوهش مناسب ضروری است. با توجه به ماهیت کاربردی پژوهش حاضر و توصیفی رگرسیونی بودن آن، داده‌های لازم برای پژوهش، از پایگاه‌های داده وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و پایگاه داده مرکز ملی آمار ایران جمع‌آوری شده است. برای آزمون فرضیه‌ها و انتخاب نمونه، از روش غربالگری حذف سیستماتیک و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است (لازم است توضیح داده شود با توجه به نوع متغیرهای پژوهش، از اطلاعات سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ استفاده شده است) که برای استخراج نمونه پژوهش، شرایط زیر در نظر گرفته شده‌اند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و در بازه زمانی

پژوهش، از بورس خارج نشده باشند؛

۲. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به اسفندماه باشد و در بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛
۳. به دلیل تفاوت عملیاتی، از شرکت‌های فعال در صنعت مالی نباشند؛
۴. اطلاعات آنان برای دوره مطالعه شده، موجود و در دسترس باشد.
۵. حسابرسی شده و غیر تلفیقی باشند.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۵۱۶ سال-شرکت، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

۵. مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل کولتون و همکاران (۲۰۱۶) استفاده شده است:

$$\begin{aligned}
 RQ_{it} = & \alpha + \beta_1 LWRANK_{it} + \beta_2 JUMP_{it} + \beta_3 BIG_{it} + \beta_4 LCA_{it} \\
 & + \beta_5 LNMVE_{it} + \beta_6 CFF_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 MB_{it} \\
 & + \beta_9 LOSS_{it} + \beta_{10} CFO_{it} + \sum_{j=1}^n INDUSTRY \\
 & + \sum_{m=1}^{t=1} YEAR + \varepsilon
 \end{aligned} \quad (۱) \text{ مدل}$$

که در آن:

RQ: کیفیت گزارشگری مالی (RESCFO)؛

LWRANK: حق الزحمه غیرعادی بلندمدت (میانگین سه سال قبل رتبه‌های حق الزحمه غیرعادی حسابرسی)؛

JUMP: جهش در حق الزحمه؛ غیرعادی حسابرسی (تفاوت رتبه حق الزحمه غیرعادی دوره جاری و میانگین سه سال قبل رتبه حق الزحمه غیرعادی حسابرسی)؛

BIG: نوع حسابرس (متغیر موهومی به طوری که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد یک و در غیر این صورت صفر)؛

LCA: اقلام تعهدی دوره قبل (سودخالص قبل از اقلام غیرمترقبه منهای جریان وجوه نقد عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها)؛

LNMVE: اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام)

CFF: تأمین مالی برون سازمانی (جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های تأمین مالی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها)؛

LEV: اهرم مالی (مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌ها)؛

MB: رشد شرکت (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام)؛

LOSS: زیان شرکت (متغیر موهومی به طوری که اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد

یک و در غیر این صورت صفر)؛

CFO: جریان وجه نقد عملیاتی (جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی تقسیم بر

مجموع دارایی‌ها).

در مدل فوق برای کنترل اثر سال و صنعت از متغیر مجازی استفاده شده است. برای کنترل اثر سال، برای سال بررسی شده عدد یک و برای سایر سال‌ها صفر در نظر گرفته شده است؛ بنابراین به تعداد سال‌های بررسی شده منهای یک ($t-1$) متغیر مجازی تعریف شده است. برای کنترل اثر صنعت، برای صنعت مدنظر عدد یک و برای سایر صنایع عدد صفر در نظر گرفته شده است؛ بنابراین به تعداد کل صنایع بررسی شده منهای یک ($j-1$) متغیر مجازی تعریف شده است. برای افزایش قابلیت مقایسه میان شرکت‌ها و کاهش ناهمسانی واریانس بالقوه، متغیرهای وجه نقد ناشی از فعالیت‌های تأمین مالی، وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، وقفه ارقام تعهدی جاری به وسیله مجموع دارایی‌ها همگن شده است (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳^{۳۵}).

متغیرهای کنترلی بر اساس پژوهش‌های گذشته انتخاب شده‌اند. برای اندازه‌گیری عملکرد ضعیف شرکت از متغیر زیان شرکت (LOSS) استفاده شده است. انتظار می‌رود شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی دارند، انگیزه بیشتری برای مدیریت سود (کیفیت گزارشگری اندک) داشته باشند (دوئل و همکاران، ۲۰۰۷^{۳۶})؛ همچنین دی‌آنجلو و همکاران^{۳۷} (۱۹۹۴) بیان کردند عملکرد ضعیف می‌تواند فرض مدیریت سود را محدود کند. در صورتی که اهرم مالی بیشتر بیانگر احتمال نقض قرارداد بدهی از جانب شرکت باشد، مدیران انگیزه دستکاری سود خواهند داشت (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶^{۳۸})؛ در نتیجه کیفیت اطلاعات کاهش می‌یابد. برای اندازه‌گیری رشد شرکت از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. تحقیقات پیشین به رابطه منفی بین رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی دست یافته‌اند (پنمان و ژانگ، ۲۰۰۱^{۳۹})؛ دوئل و همکاران، ۲۰۰۷^{۴۰}). لی و همکاران^{۴۰} (۲۰۰۶) ارتباط معناداری میان رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی مشاهده نکردند. اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام محاسبه شده است. انتظار می‌رود میان اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود داشته باشد؛ زیرا شرکت‌های بزرگ برای جلوگیری از بررسی‌های سیاسی و قانونی، سود خود را

کمتر از واقع ارائه می‌کنند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶؛ ستایش و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۱). بر اساس تحقیقات قبلی شرکت‌هایی که مؤسسات بزرگ آن‌ها را حسابرسی می‌کنند، اقلام تعهدی اختیاری کمتری (کیفیت اطلاعات بیشتری) دارند (فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۹؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۳^{۴۱}). در این تحقیق سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه حسابرسی بزرگ در نظر گرفته شده است. انتظار می‌رود بین اقلام تعهدی دوره قبل، جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های تأمین مالی و جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی با اقلام تعهدی اختیاری رابطه مثبت وجود داشته باشد (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶).

متغیرهای مستقل در این معادله حق الزحمه غیرعادی بلندمدت دوره قبل (LWRANK) و جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی (JUMP) هستند. همان طوری که در مدل شماره (۱) مشاهده می‌شود، قرار دادن جهش و حق الزحمه غیرعادی بلندمدت دوره قبل در مدل رگرسیونی، به تشریح جداگانه آنچه عناصر جاری و بلندمدت حق الزحمه دارای چسبندگی ارائه می‌کند، کمک می‌کند؛ به طوری که این نوع تصریح مدل، باقیمانده‌ها را به عناصر جهش^{۴۲} و پایدار^{۴۳} تفکیک می‌کند. میانگین حق الزحمه غیرعادی دوره قبل می‌تواند سرمایه‌گذاری پایدار (ثابت) در کیفیت حسابرسی، یا جبران ریسک ذاتی صاحبکار را بیان کند که به طور کامل با مدل حق الزحمه استاندارد در بر گرفته نمی‌شود.

۵.۱. اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری

رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۲) مدل‌های مختلف مدیریت سود در ایران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد مدل مک نیکولس^{۴۴} (۲۰۰۲) در شناسایی و کشف مدیریت سود، اعتبار و دقت بیشتری دارد؛ بنابراین در این پژوهش کیفیت گزارشگری مالی بر اساس مدل مک نیکولس (۲۰۰۲)، که مدل ارائه شده دچو و دیچف^{۴۵} (۲۰۰۲) را به کار گرفته، محاسبه شده است. در شناسایی و کشف مدیریت سود مدل مک نیکولس (۲۰۰۲) بر مبنای ارتباط بین اقلام تعهدی کل (TACC) و جریان وجوه نقد گذشته، حال و آینده و همچنین تغییر درآمد (REV) همگن شده به وسیله مجموع دارایی‌های اول دوره، مانده اموال، ماشین آلات و تجهیزات (PPE) همگن شده به وسیله مجموع دارایی‌های اول دوره، بنا شده است. اقلام تعهدی کل بر اساس سود قبل از اقلام غیرمترقبه منهای جریان وجوه نقد عملیاتی (CFO) همگن شده به وسیله مجموع دارایی‌های اول دوره محاسبه شده است. به طور خاص مدل زیر برآورد شده است:

$$TACC_{it} = \alpha + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

قدر مطلق مقدار باقیمانده رگرسیون فوق به‌عنوان اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری (کیفیت گزارشگری مالی) در نظر گرفته شد (RESCFO). یادآوری می‌شود هرچه مقدار اقلام تعهدی اختیاری بیشتر باشد، کیفیت گزارشگری مالی کمتر است.

۲.۵. اندازه‌گیری جهش در حق الزحمه غیرعادی و حق الزحمه غیرعادی بلندمدت

برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل پژوهش ابتدا باید حق الزحمه غیرعادی حسابرسی محاسبه شود. برای محاسبه حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، باقیمانده مدل حق الزحمه حسابرسی، از طریق برآورد مدل رگرسیونی زیر محاسبه شد:

$$LAF_{it} = \alpha + \beta_1 LTA_{it} + \beta_2 FOREIGN_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 ARINV_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 BIG_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 SWITH_{it} + \beta_9 CFO_{it} + \beta_{10} CRAT_{it} + \beta_{11} MRET_{it} + \beta_{12} GROWTH_{it} + \beta_{13} LAG_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن:

LAF: حق‌الزحمه حسابرسی (لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی)؛

LTA: اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها)؛

FOREIGN: فروش خارجی (متغیر موهومی به طوری که اگر شرکت فروش خارجی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر)؛

ROA: بازده دارایی‌ها (سود خالص تقسیم بر مجموع دارایی‌ها)؛

ARINV: نسبت حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا (مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی‌ها تقسیم بر دارایی‌ها)؛

LOSS: زیان شرکت (متغیر موهومی به طوری که اگر شرکت زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر)؛

BIG: نوع حسابرس (متغیر موهومی به طوری که اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد یک و در غیر این صورت صفر)؛

LEV: اهرم مالی (جمع بدهی‌ها تقسیم بر جمع دارایی‌ها)؛

SWITH: تغییر حسابرس (متغیر موهومی به طوری که اگر شرکت حسابرس خود را تغییر داده باشد یک و در غیر این صورت صفر)؛

CFO: جریان وجوه نقد عملیاتی (جریان وجوه نقد عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها)؛

CRAT: نسبت جاری (دارایی‌های جاری تقسیم بر بدهی‌های جاری)؛

MRET: درصد بازدهی سهام؛

GROWTH: رشد فروش (تفاوت فروش دوره جاری و دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل)؛

LAG: مدت زمان بین تاریخ تهیه صورت‌های مالی و تاریخ گزارش حسابرسی.

مدل فوق بر اساس ارتباط مدل حق الزحمه عادی حسابرسی و تأثیر عوامل عادی بر آن، بنا شده است. برای برآورد مدل حق الزحمه حسابرسی، مطابق با پژوهش‌های قبلی، عوامل مختلفی شامل پیچیدگی امور حسابرسی، ریسک صاحبکار و ویژگی‌های حسابرسی (هی و همکاران، ۲۰۰۶) و برای در نظر گرفتن ارتباط اندازه صاحبکار و حق الزحمه حسابرسی لگاریتم طبیعی دارایی‌ها (LTA) در نظر گرفته شده است (امیر و همکاران، ۲۰۱۵)^{۴۶}. با توجه به اینکه فروش خارجی بیانگر پیچیدگی بیشتر عملیات صاحبکار است، بنابراین از فروش خارجی به عنوان نماینده پیچیدگی فعالیت صاحبکار استفاده شده است. مقدار زیاد حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا مستلزم تلاش بیشتر حسابرسان است؛ بنابراین در مدل حق الزحمه، از مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا استفاده شده است (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶).

متغیرهای زبان شرکت، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، درصد بازده سهام، جریان وجوه نقد عملیاتی و رشد شرکت برای اندازه‌گیری عوامل مربوط به ریسک شرکت استفاده شده‌اند (فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۴؛ کیم و اسکینر، ۲۰۱۲)^{۴۷}؛ همچنین برای اندازه‌گیری کارایی عملیات شرکت از متغیر تأخیر در گزارش حسابرسی و برای اندازه‌گیری ویژگی‌های مربوط به حسابرسان از متغیرهای نوع حسابرسی (پالمرس، ۱۹۸۶؛ فرانسیس، ۱۹۸۴) و تغییر حسابرسی استفاده شده است (بوتوروث و حوقتون، ۱۹۹۵)^{۴۸}.

مقدار باقیمانده رگرسیون فوق نشان‌دهنده حق الزحمه اضافی پرداخت شده برای تلاش‌های حسابرسی است که تابعی از عوامل مشاهده‌ناپذیر مربوط به صاحبکار و محیط تجاری آن است. مقدار باقیمانده برآورد شده از مدل شماره (۱) ممکن است به طور منفی یا مثبت ظهور یابد. مقدار مثبت (منفی) می‌تواند با بیش (کم) سرمایه‌گذاری در فرآیند و تکنولوژی حسابرسی ارتباط داشته باشد (بال و همکاران، ۲۰۱۲). بر این اساس، مثبت بودن مقدار باقیمانده در چند دوره ممکن است نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری زیاد در کیفیت گزارشگری مالی باشد. مقدار منفی باقیمانده ممکن است نشان‌دهنده فرآیند ضعیف حسابرسی، مانند اطلاع نداشتن از ویژگی‌های صاحبکار و سایر نکات

مرتبط با شفافیت اطلاعات باشد.

۳. ۵. رتبه حق‌الزحمه غیرعادی سالانه و بلند مدت:

به منظور عملیاتی کردن و اندازه‌گیری متغیرهای مربوط به فرضیه پژوهش مقدار باقیمانده به دست آمده از مدل (۱) بر اساس صنعت-سال رتبه‌بندی شد؛ به طوری که ۱۰ درصد کمترین مشاهده‌ها، به عنوان طبقه دارای کمترین رتبه ($YRANK=1$) و ۱۰ درصد بیشترین مشاهده‌ها، به عنوان بزرگ‌ترین رتبه ($YRANK=10$) طبقه‌بندی شدند. برای محاسبه اولین متغیر مستقل مدنظر پژوهش ($WRANK$)، میانگین رتبه باقیمانده‌ها در طی بازه سه ساله محاسبه شد. به عنوان مثال $WRANK_{1394}$ برابر است با میانگین رتبه سه ساله هر شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۴. مقادیر مربوط به میانگین رتبه باقیمانده‌های هر شرکت به صورت اعداد صحیح نیستند و می‌توانند مقادیر اعشاری بین ۱ تا ۱۰ اختیار باشند؛ همچنین دومین متغیر مستقل مدنظر پژوهش ($JUMP$) از تفاوتی که بین رتبه باقیمانده حق‌الزحمه یک سال ($YRANK$) هر شرکت و میانگین سه سال قبل رتبه باقیمانده‌ها ($WRANK$) به دست می‌آید. این متغیر نشان‌دهنده تفاوت حق‌الزحمه غیرعادی سال جاری و رتبه حق‌الزحمه غیرعادی بلندمدت مربوط به دوره گذشته شرکت است. برای هر شرکت محاسبه به صورت زیر انجام شد:

$$JUMP_{1394} = YRANK_{1394} - LWRANK_{1393}$$

بر اساس این محاسبه، متغیر $JUMP$ با اثرات ثابت صاحبکار یا حسابرس ارتباط نخواهد داشت. استفاده از رتبه‌بندی خطای اندازه‌گیری در مدل، حق‌الزحمه را کاهش داده است؛ همچنین ارتباط حق‌الزحمه غیرعادی را واضح‌تر نمایان می‌کند (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶).

۶. یافته‌های پژوهش

۶.۱. آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مطالعه شده محاسبه شده‌ان و در نگاره شماره ۱ ارائه شده‌اند

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
لگاریتم حق الزحمه حسابرسی	۶,۵۱۹	۶,۴۱۳	۹,۹۶۵	۴,۶۸۸	۰,۹۰۲
لگاریتم مجموع دارایی‌ها	۱۳,۶۳۲	۱۳,۶۱۵	۱۷,۷۸۷	۱۰,۷۱۳	۱,۲۳۳
بازده دارایی‌ها	۰,۱۳۸	۰,۱۲۳	۰,۴۹۴	-۰,۲۵۶	۰,۱۳۷
نسبت حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا	۰,۴۷۶	۰,۴۸۵	۰,۸۵۹	۰,۰۰۱	۰,۲۱۱
اهرم مالی	۰,۶۱۷	۰,۶۳۷	۱,۲۷۸	۰,۱۲۸	۰,۲۲۷
جریان وجوه نقد عملیاتی	۰,۱۱۵	۰,۱۰۰	۰,۵۰۱	-۰,۲۲۰	۰,۱۳۰
نسبت جاری	۱,۳۹۷	۱,۲۱۷	۴,۲۵۴	۰,۲۸۰	۰,۷۱۶
بازده بازار	۰,۱۰۶	۰,۰۳۶	۰,۳۳۰	-۰,۲۲۷	۰,۶۴۰
رشد فروش	۰,۱۹۲	۰,۱۴۷	۲,۲۸۵	۰,۷۱۰	۰,۴۱۹
تأخیر در گزارش حسابرس	۷۹,۲۵۹	۷۵	۲۵۲	۲۶	۳۷,۲۵۴
اقدام تعهدی اختیاری	۰,۰۵۸	۰,۰۴۱	۰,۱۸۹	۰,۰۰۳	۰,۰۵۲
اقدام تعهدی به مجموع دارایی‌ها	۰,۱۱۹	۰,۰۸۴	۰,۳۸۱	۰,۰۰۷	۰,۱۰۵
حق الزحمه غیرعادی بلندمدت	۵,۴۳۴	۵,۳۳۳	۹,۵۰۰	۱,۳۳۳	۱,۶۸۷
جهش در حق الزحمه غیرعادی	۰,۷۸۷	۱,۰۰۰	۸,۶۶۷	-۷,۳۳۳	۳,۵۳۹
وقفه اقدام تعهدی جاری	۰,۰۰۶	۰,۰۰۶	۰,۲۳۹	-۰,۲۴۶	۰,۱۲۷
لگاریتم طبیعی ارزش بازار	۱۳,۴۵۶	۱۳,۴۹۰	۱۵,۳۶۲	۱۱,۳۲۰	۱,۱۳۶
جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های تأمین مالی	۰,۰۱۸	۰,۰۰۰	۰,۱۸۹	-۰,۱۰۵	۰,۰۷۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۲,۲۳۳	۲,۰۱۰	۵,۵۴۹	-۰,۲۲۵	۱,۴۵۶

همانطور که مشاهده می‌شود مقدار کمینه و بیشینه متغیر لگاریتم حق الزحمه حسابرسی نشان دهنده دامنه تغییرات زیاد این متغیر در بین شرکت‌های موجود در نمونه است. میانگین حق الزحمه غیرعادی بلندمدت برابر ۵,۴۳۴ است. این متغیر میانگین سه‌ساله رتبه حق الزحمه غیرعادی بوده است و دامنه تغییرات آن در بازه ۱ تا ۱۰ است. جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی که به‌عنوان تفاوت رتبه حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و وقفه میانگین سه‌ساله آن است، برابر ۰,۷۸۷ است. بیشترین انحراف معیار در میان متغیرهای پژوهش مربوط به متغیر تأخیر در

گزارش حسابداری است. مقدار آن برابر ۱,۲۷۸ است. دلیل بیشتر از یک بودن مقدار اهرم مالی، وجود زیان انباشته و در نتیجه منفی بودن حقوق صاحبان سهام برخی شرکت‌ها است. در نگاره ۲ فراوانی متغیرهای مجازی ارائه شده است.

نگاره ۲: فراوانی متغیرهای مجازی

متغیر موهومی	تعداد مشاهدات	مقادیر یک	مقادیر صفر
فروش خارجی	۵۱۶	۳۴۶	۱۷۰
زیان شرکت	۵۱۶	۵۷	۴۵۹
مؤسسه حسابداری	۵۱۶	۱۳۶	۳۸۰
تغییر حسابرس	۵۱۶	۲۰۸	۳۰۸

۶.۲. نتایج آزمون فرضیه‌ها

همانطور که قبلاً ذکر شد، مدل رگرسیون تحقیق با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت با استفاده از متغیرهای موهومی برآورد شده است. برای بررسی نتایج حاصل از برآوردهای رگرسیون ابتدا باید فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شوند تا در صورت نقض هر یک از فروض، تصحیح لازم در مدل انجام شود و در نتیجه بتوان به نتایج اتکا کرد. فروض کلاسیک که در برآورد رگرسیون باید بررسی شوند، شامل بررسی وجود ناهمسانی واریانس و بررسی خودهمبستگی سریالی میان باقیمانده‌ها است. برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون والد^{۴۹} و برای بررسی خودهمبستگی سریالی از آزمون وولدریج^{۵۰} استفاده شده است؛ همچنین برای بررسی هم‌خطی دو به دو از ضریب همبستگی و برای بررسی هم‌خطی چندگانه از عامل تورم واریانس^{۵۱} بهره گرفته شد.

نتایج بررسی هم‌خطی میان متغیرهای مستقل در نگاره ۳ ارائه شده است. همان‌طور که در نگاره ماتریس همبستگی مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی تمامی متغیرهای مستقل کمتر از ۰,۷ است؛ همچنین عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ است؛ بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی شدید وجود ندارد (گجراتی،^{۵۲} ۱۹۹۵). ضرایب همبستگی متغیرهای حق‌الزحمه غیرعادی بلندمدت و جهش در حق‌الزحمه غیرعادی بیانگر رابطه منفی با اقلام تعهدی اختیاری است.

نگاره ۳: همبستگی بین متغیرها

VIF	جریان وجه نقد عملیاتی	زیان شرکت	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	اهرم مالی	جریان نقدی فعالیت‌های تأمین مالی	لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	اقدام تعهدی دوره جاری	مالکیت مؤسسه حسابرسی	جهش در حق الزحمه غیرعادی	حق الزحمه غیرعادی بلندمدت	اقدام تعهدی اختیاری	
										۱,۰۰	اقدام تعهدی اختیاری	
۱,۳۲									۱,۰۰	۰,۱۱-	حق الزحمه غیرعادی بلندمدت	
۱,۲۳								۱,۰۰	۰,۱۶	۰,۰۵-	جهش در حق الزحمه غیرعادی	
۱,۳۱							۱,۰۰	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۵-	مالکیت مؤسسه حسابرسی	
۳,۸۰							۱,۰۰	۰,۰۸-	۰,۰۸-	۰,۱۱-	۰,۱۱	اقدام تعهدی دوره جاری
۲,۳۲						۱,۰۰	۰,۲۹	۰,۱۱-	۰,۰۴	۰,۱۲	۰,۰۷	لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۱,۶۸					۱,۰۰	۰,۰۵	۰,۳۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۸	جریان نقدی فعالیت‌های تأمین مالی
۲,۷۸				۱,۰۰	۰,۱۲	۰,۲۸-	۰,۵۰-	۰,۰۷	۰,۰۲	۰,۰۲-	۰,۰۴	اهرم مالی
۱,۹۴			۱,۰۰	۰,۱۰-	۰,۱۲	۰,۲۷	۰,۱۷	۰,۰۴-	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۶	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۱,۳۶		۱,۰۰	۰,۱۷-	۰,۳۹	۰,۱۱-	۰,۲۱-	۰,۳۷-	۰,۰۵-	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۲	زیان شرکت
۲,۵۴	۱,۰۰	- ۰,۲۳	۰,۴۳-	۰,۱۷	۰,۲۷-	۰,۰۴-	۰,۰۴-	۰,۰۱-	۰,۰۵-	۰,۰۱-	۰,۱۰-	جریان وجه نقد عملیاتی

نتایج مربوط به آزمون ناهمسانی واریانس در نگاره ۴ ارائه شده است. فرضیه صفر در آزمون والد حاکی از همسانی واریانس‌ها و فرضیه مقابل بیانگر وجود ناهمسانی واریانس است. همان‌طور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود آزمون والد حاکی از ناهمسانی واریانس است، مدل رگرسیون برای رفع ناهمسانی واریانس قدرتمندسازی^{۵۳} شده است. در آزمون خودهمبستگی نتایج بیانگر نداشتن خودهمبستگی سریالی است؛ همچنین آماره دوربین واتسون در مدل رگرسیون نتایج آزمون وولدریج را تأیید می‌کند.

نگاره ۴: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه	احتمال	آماره F	آزمون
رد فرض صفر و تأیید وجود ناهمسانی واریانس	۰,۰۰۰***	۳۸,۲۲۹	ناهمسانی واریانس (والد)
تأیید فرض صفر و نداشتن خودهمبستگی سریالی	۰,۰۹۹	۲,۷۹۰	خودهمبستگی سریالی (وولدریج)

نتایج مربوط به برآورد مدل رگرسیونی تحقیق در نگاره ۵ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب متغیر حق الزحمه غیرعادی بلندمدت برابر $-۰,۰۰۳۲$ و احتمال آن برابر $۰,۰۰۰۰$ است. نتایج نشان می‌دهد بین حق الزحمه غیرعادی بلندمدت و اقلام تعهدی اختیاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. با توجه به اینکه زیاد بودن اقلام تعهدی اختیاری بیانگر کیفیت اندک گزارشگری مالی است، افزایش حق الزحمه غیرعادی بلندمدت با افزایش کیفیت گزارشگری مالی ارتباط دارد؛ در نتیجه فرضیه اول تحقیق پذیرفته می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد افزایش حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مرتبط با سرمایه‌گذاری آتی در فرایند حسابرسی است؛ در نتیجه باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. به عبارت دیگر صاحبکار در طی دوره‌های قبل حق الزحمه غیرعادی حسابرسان را افزایش داده است (سرمایه‌گذاری آتی در فرایند حسابرسی) تا کیفیت گزارشگری مالی دوره‌های بعد را افزایش دهد که مطابق با فرضیه «تأیید» است. بر اساس فرضیه تأیید، مدیران حق الزحمه حسابرسان را افزایش می‌دهند یا اقداماتی انجام می‌دهند تا افزایش حق الزحمه را مرجع تعیین‌کننده حق الزحمه تأیید کند، تا از این طریق عملکردشان تأیید شود و در نهایت هزینه‌های نظارت کاهش یابد؛ همچنین سهامداران نیز خواستار افزایش کیفیت صورت‌های مالی هستند و از طریق افزایش حق الزحمه حسابرسی به این هدف دست می‌یابند. این نتایج با یافته‌های تحقیق لوبو و ژائو (۲۰۱۳) و بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) مشابه است و با نتایج کولتون و همکاران (۲۰۱۶) مغایر است.

ضریب متغیر جهش در حق الزحمه غیرعادی ($-۰,۰۰۰۵$) و احتمال آن ($۰,۰۴۲۰$) نشان می‌دهد بین جهش در حق الزحمه غیرعادی و اقلام تعهدی اختیاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با افزایش کیفیت گزارشگری مالی ارتباط دارد؛ بنابراین فرضیه دوم نیز پذیرفته می‌شود؛ یعنی بین جهش در حق الزحمه

غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنادار وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد حق الزحمه غیرعادی دوره جاری مرتبط با تلاش پیشگیرانه حسابرسان و هزینه اضافی و آگاهانه در کیفیت حسابرسی بوده است و باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ همچنین می‌توان این نتایج را بر اساس نظریه «فشار حق الزحمه حسابرسی» توضیح داد. به عبارت دیگر حق الزحمه حسابرسی زیاد، به وسیله افزایش تلاش و بررسی‌های بیشتر حسابرسان، منجر به افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (فرانسیس، ۲۰۰۴).

رابطه بین متغیرهای لگاریتم ارزش بازار، جریان‌های وجه نقد فعالیت‌های تأمین مالی، اهرم مالی و جریان وجه نقد عملیاتی با ارقام تعهدی اختیاری مثبت و معنادار است.

نگاره ۵: نتایج برآورد مدل رگرسیونی تحقیق

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
حق الزحمه غیرعادی بلندمدت	LWRANK	۰,۰۰۳۲***	۰,۰۰۰۴	-۷,۶۴۶۴	۰,۰۰۰۰
جهش در حق الزحمه غیرعادی	JUMP	۰,۰۰۰۵**	۰,۰۰۰۳	-۲,۰۴۱۹	۰,۰۴۲۰
نوع حسابرسی	BIG	۰,۰۰۰۶	۰,۰۰۱۲	-۰,۴۶۱۰	۰,۶۴۵۱
ارقام تعهدی دوره قبل	LCA	۰,۰۲۶۷	۰,۰۳۲۸	۰,۸۱۲۹	۰,۴۱۶۹
اندازه شرکت	LN MVE	۰,۰۰۴۸***	۰,۰۰۱۴	۳,۵۵۴۷	۰,۰۰۰۴
تأمین مالی برون سازمانی	CFE	۰,۰۵۱۷**	۰,۰۲۲۵	۲,۲۹۱۵	۰,۰۲۲۶
اهرم مالی	LEV	۰,۰۲۷۲**	۰,۰۱۲۰	۲,۲۵۵۰	۰,۰۲۴۸
رشد شرکت	MB	۰,۰۰۱۳	۰,۰۰۱۰	-۱,۳۱۴۳	۰,۱۸۹۷
زیان شرکت	LOSS	۰,۰۰۷۰	۰,۰۰۸۱	۰,۸۷۱۵	۰,۳۸۴۲
جریان نقدی عملیاتی	CFO	۰,۰۵۵۷**	۰,۰۲۷۹	۱,۹۹۸۶	۰,۰۴۶۵
مقدار ثابت	C	۰,۰۰۳۰	۰,۰۲۴۴	-۰,۱۲۱۲	۰,۹۰۳۶
ضریب تعیین تعدیل شده ۰,۲۴			آماره F ۵,۰۷۸۴		
آماره دوربین واتسون ۲,۲۹			احتمال آماره F ۰,۰۰۰***		

***، **، * به ترتیب معناداری در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد

۷. نتیجه‌گیری

کیفیت گزارشگری مالی نقش مهمی در کارایی بازار سرمایه ایفا می‌کند. وجود مشکلاتی مانند نامتقارنی اطلاعات و مشکلات نمایندگی بین مدیران و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی، موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شده است؛ بنابراین نیاز است حساب‌رسان به عنوان افرادی مستقل از شرکت، کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کنند. حساب‌رسان در ازای خدمات خود از صاحبکار حق الزحمه دریافت می‌کنند که ممکن است مبلغی بیشتر یا کمتر از حق الزحمه عادی (مورد انتظار) باشد که در ادبیات حسابداری حق الزحمه غیرعادی نامیده می‌شود. پیشینه پژوهش در زمینه ارتباط حق الزحمه غیرعادی حساب‌رسان و کیفیت گزارشگری مالی به نتایج مختلفی دست یافته است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر تحلیل تفصیلی و جزئی حق الزحمه غیرعادی و بررسی ارتباط آن با کیفیت گزارشگری مالی است. در این راستا ارتباط حق الزحمه غیرعادی بلندمدت و جهش در حق الزحمه غیرعادی با اقلام تعهدی اختیاری، (به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی، بررسی شد.

ارتباط حق الزحمه غیرعادی و کیفیت گزارشگری مالی را می‌توان بر اساس نظریه فشار حق الزحمه حساب‌رسان و فرضیه تأیید توصیف کرد. بر اساس نظریه فشار حق الزحمه حساب‌رسان، هنگامی که حق الزحمه حساب‌رسان افزایش یابد، حساب‌رسان می‌تواند دامنه کار خود را افزایش داده و از افراد با تخصص و تجربه بیشتر، استفاده کنند و از این طریق باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شوند. از طرف دیگر مطابق با فرضیه تأیید، مدیران انگیزه دارند برای تأیید خودشان در فرایند حساب‌رسان سرمایه‌گذاری کنند تا کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهند.

بین جهش در حق الزحمه غیرعادی حساب‌رسان و اقلام تعهدی اختیاری ارتباط منفی و معنادار وجود دارد؛ بنابراین جهش در حق الزحمه غیرعادی حساب‌رسان نشان‌دهنده نقش پیشگیرانه حساب‌رسان و افزایش تلاش حساب‌رسان است. با توجه به نظریه فشار حق الزحمه حساب‌رسان، چنین تلاش‌هایی می‌تواند به دلیل انگیزه برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی صاحبکار باشد. سایر نتایج نشان داد متغیر حق الزحمه غیرعادی بلندمدت رابطه منفی با اقلام تعهدی اختیاری دارد. از این نتایج می‌توان استنتاج کرد پرداخت حق الزحمه غیرعادی حساب‌رسان نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری در کیفیت گزارشگری مالی است. بر اساس فرضیه تأیید، مدیران انگیزه دارند از طریق سرمایه‌گذاری در فرایند حساب‌رسان، کیفیت اطلاعات حسابداری را افزایش دهند.

این نتایج، یافته‌های پژوهش بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) و لوبو و ژانو (۲۰۱۳) را تأیید

می‌کند. بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی به طور منفی ارتباط دارد. نتایجی که نشان می‌دهد حق الزحمه غیرعادی زیادتر، احتمالاً منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. لوبو و ژائو (۲۰۱۳) استدلال کردند حق الزحمه غیرعادی منعکس‌کننده تلاش حسابرسان است؛ بنابراین رابطه مثبت با کیفیت گزارشگری مالی دارد. نتایج پژوهش آنان نشان‌دهنده نقش مؤثر حسابرسان در افزایش کیفیت صورت‌های مالی است. نتایج این پژوهش با نتایج کولتون و همکاران (۲۰۱۶) مغایر است. آنان دریافتند حق الزحمه غیرعادی زیادتر، با کیفیت کمتر گزارشگری مالی ارتباط دارد.

به دلیل استخراج حق الزحمه خدمات حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، ممکن است حق الزحمه یادشده برای برخی شرکت‌ها شامل خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی باشد. با توجه به نحوه محاسبه یکسان حق الزحمه در همه شرکت‌ها انتظار می‌رود این متغیر جایگزین مناسبی برای حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها باشد. مدل اندازه‌گیری حق الزحمه حسابرسی شامل عوامل مربوط به تلاش حسابرسان و ریسک صاحبکار است؛ اما احتمال دارد عوامل تاثیرگذار دیگری بر حق الزحمه حسابرسی وجود داشته باشد که مشاهده‌پذیر نیستند؛ به عنوان مثال مشخص نیست متغیرهای مربوط به ریسک صاحبکار تمامی جوانب ریسک صاحبکار را شامل شود؛ بنابراین مقدار باقیمانده رگرسیون مذکور، این عوامل مشاهده‌ناپذیر را شامل می‌شود.

یافته‌های این پژوهش با توجه به دسترسی داده‌ها و شرایط نمونه‌گیری ذکرشده در مورد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است؛ لذا در مورد تعمیم نتایج به سایر شرکت‌های بورسی و غیر بورسی باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

نکته‌ای که لازم است در تحلیل نتایج این پژوهش مدنظر داشته باشیم، این است که در این پژوهش از داده‌هایی استفاده شده است که از طریق صورت‌های مالی در اختیار عموم قرار گرفته‌اند. بدیهی است به‌منظور برآورد دقیق‌تر حق الزحمه حسابرسی بهتر است تا از داده‌های خاصی که در اختیار حسابرسان است، استفاده می‌شود، تا حسابرسان بتوانند به درک بهتری از عوامل مؤثر بر حق الزحمه برسند و بهتر آن را مدیریت کنند. درنهایت با توجه به وجود رابطه منفی بخش جاری و بلندمدت حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری، می‌توان از حق الزحمه غیرعادی به‌عنوان شاخصی از کیفیت اطلاعات حسابداری نام برد؛ در نتیجه سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل می‌توانند از این شاخص برای ارزیابی کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده کنند.

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود:

۱. تأثیر تخصص حسابرس بر رابطه بین جهش در حق الزحمه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی مطالعه شود؛
۲. رابطه چسبندگی هزینه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی بررسی شود؛
۳. ارتباط جهش در حق الزحمه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، در شرکت‌های با بحران مالی حاد و شرکت‌های بدون بحران مالی مطالعه و مقایسه شوند.

یادداشت‌ها

1. Johnson et al.
2. Coulton et al.
3. DeFond & Zhang
4. Kinney & Libby
5. Simunic
6. Francis
7. Palmrose
8. Bentley et al.
9. Heninger
10. Patterson & Smith
11. Caramanis and Clive
12. Zhao
13. Bell et al.
14. Lyon & Maher
15. Chen et al.
16. Ettredge et al.
17. Asthana & Boone
18. Blankley et al.
19. Doogar et al.
20. Reactive effort
21. Proactive effort
22. Effect correction
23. Confirmation Hypothesis
۲۴. فرضیه تایید بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری در زمینه گزارشگری مالی توسط مدیریت به دلیل تایید عملکرد خودشان به منظور عقد قراردادهای کارا است تا اینکه راهی برای منفعت طلبی آنان (براساس نظریه رقیب) باشد.
25. Cook and Kelly
26. Houston
27. Bierstaker and Wright
28. Ball et al.
29. Choi et al.
30. Krauss et al.
31. Xie et al.
32. Lobo & Zhao
33. Soedaryono
34. Dabor & Benjamine
35. Anderson et al.
36. Doyle et al.
37. DeAngelo et al.
38. Watts and, Zimmerman
39. Penman and Zhang,
40. Lee et al.
41. Kim et al.
42. Jump
43. Persistent
44. McNichols
45. Dechow & Dichev
46. Amir et al
47. Kim and Skinner
48. Butterworth and Houghton
49. Wald
50. Wooldridg
51. Variance Inflation Factor
52. Gujarati
53. Robust

منابع

الف. فارسی

- اسماعیل زاده مقری، علی و ترامشلو، نصرت‌الله (۱۳۹۱)، تأثیر رقابت بر سر حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی، *مجله حسابدار رسمی*، ۳۰ (۱۸)، ۷۰-۷۹.
- پایدارمنش، نوید و دیگران (۱۳۹۵)، اتکای سرمایه‌گذاران بر کیفیت حسابرسی مستقل و تأثیرپذیری کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات صورت‌های مالی، *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۳ (۵۱)، ۱۴۵-۱۶۰.
- رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین (۱۳۹۲)، بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود»، *مجله پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی*، ۴ (۱۹)، ۵۴-۷۳.
- زارعی، علیرضا و قاسمی، معصومه (۱۳۹۵)، اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، *مجله بررسی‌های حسابداری*، ۳ (۱۲)، ۴۳-۶۴.
- ستایش، محمدحسین و کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۹۱)، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۴ (۱)، ۴۹-۷۹.
- سجادی، سید حسین؛ فرازمند، حسن و قربانی، حسن (۱۳۹۱)، تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی، *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۴ (۱)، ۸۱-۱۰۹.
- سرخانی مقدم، داریوش و پاکدل، عبدالله (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تجدید آرائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۳۷، ۱۳۳-۱۴۶.
- گجراتی، دامودار (۱۳۸۶)، *مبانی اقتصاد سنجی*، جلد اول، چاپ ۴، ترجمه حمید ابریشمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدرضائی، فخرالدین و یعقوب‌نژاد، احمد (۱۳۹۶)، اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی: نقد نظری، نقد روش پژوهش و آرائه پیشنهادات، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۹ (۳۴)، ۳۱-۵۹.
- منصوری سرنجیانه، میکائیل و تنانی، محسن (۱۳۹۲)، بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۵ (۱۸)، ۱۰۵-۱۲۰.
- واعظ، سید علی و احمدی، وریا (۱۳۹۳)، تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تعداد بند اظهارنظر

حسابرسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، مجله حسابرسی: نظریه و عمل، ۱ (۲)، ۱-۲۲.

ب. انگلیسی

- Amir, E., Guan. Y., & Livne. G. (2015). Did SOX improve Auditor Economic Independence? The Case of Timely Loss Recognition. *Working Paper*.
- Anderson, M. C., Banker, R. D. & Janakiraman, S. N. (2003). Are selling, general and administrative costs "Sticky"? *Journal of Accounting Research*, 41(1), 47-63.
- Asthana, S. C. & Boone, J. P. (2012). Abnormal audit fee and audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(3), 1-22.
- Ball, R., Jayaraman, S. & Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1), 136-166.
- Bell, T. B., Landsman, W. R. & Shackelford, D. A. (2001). Auditors perceived business risk and audit fees: Analysis and evidence. *Journal of Accounting Research*, 39(1), 35-43.
- Bentley, K.A., Omer, T.C., & Sharp, N.Y. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research*, 30(2), 780-817.
- Bierstaker, J. & Wright, A. (2001). The effects of fee pressure and partner pressure on audit planning decisions. *Advances in Accounting*, 18, 25-46.
- Blankley, A., Hurtt, D. & McGregor, J. (2012). Abnormal audit fees and restatements. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 31 (1), 79-96.
- Butterworth, S. & Houghton, K. (1995). Auditor switching: the pricing of audit services. *Journal of Business Finance and Accounting*, 22(3), 323-344.
- Caramanis, C. and Clive, L. (2008). Audit effort and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 45(1), 116-138.
- Chen, L., Krishnan, G. & Yu, W. (2011). Did Audit Fee Cuts in the Global Financial Crisis Impair Earnings Quality? *Working paper*.
- Choi, J., Kim, J. & Zang, Y. (2010). Do abnormally high audit fees impair audit quality? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(2), 115-140.
- Cook, E. & Kelly, T. (1988). Auditor Stress and Time Budgets. *CPA Journal*, 83-86.

- Coulton, J., Livne, G., Pettinicchio, A. & Taylor, S. (2016). Abnormal Audit Fees and Accounting Quality. *Working Paper*.
- Dabor, A. O. & Benjamine, U. (2017). Abnormal audit fee and audit quality: A moderating effect of firm characteristics. *Journal of Dynamic Econimics and Business*, 14, 327-340
- DeAngelo, H., DeAngelo, L. & Skinner, D. (1994). Accounting choice in troubled companies. *Journal of Accounting and Economics*, 17(3), 113° 143.
- Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(1), 35-59.
- Dechow, P., Ge, W. & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2), 344-401.
- DeFond, M. & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58(1), 275-326.
- Doogar, R., Sivadasan, P. & Solomon, I. (2015). Audit fee residuals: Costs or rents? *Review of Accounting Studies*, 20(4), 1247-1286.
- Doyle, J., Ge, W. & McVay, S. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting. *The Accounting Review*, 82(5), 1141° 1170.
- Ettredge, M., Li, C. & Emeigh, E. (2011). Fee pressure and audit quality. *Working Paper*.
- Francis, J. R. (1984). The effect of audit firm size on audit prices: A study of the Australian market. *Journal of Accounting and Economics*, 6(2), 133-151.
- Francis, J. R. (2004). What do we know about accounting quality? *The British Accounting Review*, 36(4), 345° 368.
- Francis, J., Philbrick, D. & Schipper, K. (1994). Shareholder litigation and corporate disclosures. *Journal of Accounting Research*, 32 (2), 137-164.
- Hay, D., Knechel, R. & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1), 141-191.
- Heninger, W. G. (2001). The association between auditor litigation and abnormal accruals. *The Accounting Review*, 76(1), 111-126.
- Houston, R. (1999). The effect of fee pressure and client risk on audit seniors time budget decisions. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 18(2), 70-86.
- Johnson, V. E., Khurana, I. K. & Reynolds, J. K. (2002). Audit firm tenure

- and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, 19(4), 637-660.
- Kim, I., & Skinner, D. S. (2012). Measuring securities litigation risk. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1), 290-310.
- Kim, J., Chung, R. & Firth, M. (2003). Auditor conservatism, asymmetric monitoring, and earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 20(2), 323° 359.
- Kinney, W. R. & Libby, R. (2002). Discussion of the relation between auditors fees for non-audit services and earnings management. *The Accounting Review*, 77(1), 107-114.
- Krauss, P., Pronobis, P. & Zulch, H. (2015). Abnormal audit fees and audit quality: Initial evidence from the German audit market. *Journal of Business and Economics*, 85(8), 45-84.
- Lee, C., Li, L. & Yue, H. (2006). Performance, growth and earnings management. *Review of Accounting Studies*, 11, 305° 334.
- Lobo, G. & Zhao, Y. (2013). Relation between audit effort and financial report misstatements: Evidence from quarterly and annual restatements. *The Accounting Review*, 88(4), 1385-1412.
- Lyon, J. D. & Maher, M. W. (2005). The importance of business risk in setting audit fees: Evidence from cases of client misconduct. *Journal of Accounting Research*, 43(1), 133-151.
- McNichols, M. (2002). Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(1), 61-69.
- McNichols. M. (2000). Research design issues in earnings management studies. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19(4,5), 313-345.
- Palmrose, Z. (1986). Audit fees and auditor size: Further evidence. *Journal of Accounting Research*, 24, 97-110.
- Patterson, E. R. & Smith, R. (2003). Materiality uncertainty and earnings misstatement. *The Accounting Review*, 78(3), 819-846.
- Penman, S. & Zhang, X. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The Accounting Review*, 77(2), 237° 264.
- Simunic, D. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18(1), 161-190.
- Soedaryono, B. (2017). Relationship between abnormal audit fees and audit quality before and after the adoption of ifrs in automotive and

- transportation of listed in indonesia stock exchange. *International Journal of Business and Management Invention*, 6(2), 16-25.
- Watts, R. & Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall Inc.
- Xie, Z., Cai, C. & Ye, J. (2010). Abnormal audit fees and audit opinion: Further evidence from china scapital market. *China Journal of Accounting Resaech*, 3(1), 51-70.
- Zhao, Y. (2010). The Audit Pricing Implications of Differential Reliability of Accruals and Cash Flows. *Working Paper*.

